

اروپا متهم کرده است. به این ترتیب ممکن است که، علی‌رغم رشد بی‌اعتمادی عمومی از اتحادیه اروپا که در نظرسنجی‌ها دیده می‌شود و ظهور احزاب پوپولیستی، همه سه خانواده اصلی سیاسی توسط فدرالیستهای قدیمی مسلک ناگزیر از حضور در انتخابات شوند. البته ممکن است در نهایت هیچ یک از این نامزدها به عنوان مدیر اجرایی اتحادیه اروپا انتخاب نشوند زیرا عملاً این سران ۲۸ کشور اروپایی هستند که رئیس‌بندی را انتخاب می‌کنند و پس از آن رئیس جدید باید توسط اکثریت ۷۵۱ نماینده مجلس تأیید شود. به احتمال زیاد هیچ حزبی اکثریت مطلق را به دست نخواهد آورد، بنابراین یک ائتلاف که شامل حداقل دو تا از بزرگترین گروه‌های سیاسی باشد مورد نیاز خواهد بود.

اگر نامزد [پیشنهادی سران] موفق به کسب اکثریت لازم نشود، سران اتحادیه اروپا یک ماه برای ارائه نام بعدی فرصت دارند. ریاست کمیسیون یکی از پنج یا شش شغلی است که به احتمال زیاد در یک بسته قرارداد در میان کشورهای عضو بر سر آن توافق می‌شود تا توازن راست‌گرایان، چپ‌گرایان و مرکزگرایان، کشورهای کوچک و بزرگ، کشورهای شمالی و جنوبی، شرقی و غربی و مردان و زنان حفظ شود. موقعیت‌های شغلی دیگر رئیس شورای اروپا، رئیس سیاست خارجی، به احتمال زیاد یک رئیس تمام‌وقت وزرای دارایی منطقه یورو، رئیس پارلمان اروپا و همچنین دبیر کل ناتو خواهند بود. آنکلا مرکل صدراعظم آلمان، قدرتمندترین رهبر اروپایی، نقش زیادی در این که چه کسی رئیس کمیسیون می‌شود، خواهد داشت. او هر ارتباط خودکاری بین نامزدهای پارلمان اروپا و ریاست کمیسیون را رد کرده است. از داخل آلمان خبر می‌رسد که او ترجیح می‌دهد که اشخاصی مانند نخست‌وزیر محافظه‌کار ایرلند اِندا کِنی، دونالد تاسک از لهستان، ایریک کاتاینز از فنلاند و یا فردریک راین‌فلت سوئدی در موقعیت‌های مختلف قرار بگیرند، اگرچه هیچ یک از آنها در نظر ندارند برای پارلمان اروپا نامزد شوند. با این حال رویارویی بین قوه مقننه و دولت‌های عضو پس از انتخابات را نمی‌توان رد کرد.

هر دو نیز از حامی افزایش بودجه اتحادیه اروپا هستند و مخالف طرح موفقیت‌آمیز بریتانیا و آلمان به منظور کاهش هزینه‌های اتحادیه برای هفت سال آینده بودند. رقابتی آنها در گروه‌های سیاسی محافظه‌کار و لیبرال-میشل بارنیه فرانسوی از کمیسیون اروپا و اولی رین از فنلاند در قلب مدیریت بحران اتحادیه اروپا بوده‌اند و دیدگاه عملگرایانه‌تری از نحوه کار اروپا دارند. رین می‌گوید اتحادیه اروپا یک دهه را به دلبستگی‌های بیهوده بر سر نهادهای خود به جای تمرکز بر اصلاحات مبرم اقتصادی قبل از فوران بحران در سال ۲۰۱۰ به هدر داده است. او استدلال می‌کند که، این مسئله یکی از دلایلی است که بسیاری از اروپایی‌ها را در حال حاضر سرخورده کرده است؛ به‌طوری‌که ممکن است به یک عوام‌گرای (پوپولیست) ضاروپا رأی بدهند و یا اصلاً در انتخابات پارلمان اروپا در ماه می شرکت نکنند. بارنیه به روزنامه فرانسوی فیگارو گفته است اولویت‌های او اقدامات عملی برای تقویت صنعت، ساخت زیرساخت‌های مرزی بیشتر، گسترش بازار اتحادیه اروپا و تقویت امنیت و سیاست‌های مهاجرتی خواهد بود. حزب محافظه‌کار مردم اروپا در همایشی در ششم و هفتم مارس در دبلین پرچمدار خود را انتخاب خواهد کرد. اتحاد لیبرال‌ها و دموکرات‌های اروپایی نیز پیش‌تاز خود را در یک رای‌گیری مخفی در تاریخ ۱ فوریه انتخاب خواهد کرد.

مارتین شولتز، سوسیال دموکرات آلمانی و رئیس مجلس اروپا، در حال حاضر نامزدی گروه سوسیالیست را به دست آورده است و می‌خواهد رئیس کمیسیون اروپا بشود. نظرات او در مورد پیوستن به اتحادیه اروپا شبیه به یونکر و فرهوفشتات است، زیرا او بسیاری از فعالیت‌های سیاسی خود را در مجلس قانونگذاری اتحادیه اروپا انجام داده است و هرگز در دولت ملی، خدمت نکرده است. جای تعجب نیست که شولتز فکر می‌کند مجلس باید کنترل بیشتری داشته باشد و کمیسیون باید متحد طبیعی آن در برابر کشورهای عضو باشد. او مدت‌های طولانی باروسو را به چالپوسی از کشورها از کیسه

بریتانیا که در کنار ایالات متحده در عراق می‌جنگید، به اندازه کافی برای جلوگیری از انتخاب نخست‌وزیر ضد جنگ بلژیک گای فرهوفشتات که انتخاب فرانسه و آلمان بود متحد گرد آورده بود. از همین رو بود که حوزه مائولت باروسو، نخست‌وزیر پرتغال، که از جنگ - بدون ارسال نیروهای نظامی پرتغالی- حمایت می‌کرد انتخاب شد. یک دهه بعد، رقابت برای جانشینی باروسو به نوع دیگری از نبرد بین اروپای قدیم و جدید تبدیل شده است.

خط تقسیم جدید دیگر بر سر جنگ عراق و یا وفاداری به ایالات متحده آمریکا نیست بلکه، در مورد شیوه اداره اروپا است. این مسئله بیشتر شبیه اختلاف نظر فدرالیست‌های قدیمی مسلک با کسانی می‌شد که به رویکردی درون‌دولتی برای اداره اروپا اعتقاد داشتند بود. دو مرد برای این کار رقابت می‌کردند، ژان کلود یونکر، طرفدار سنت فدرالی یکپارچگی اروپا و فرهوفشتات، کهنه سرباز و نخست‌وزیر سابق لوکزامبورگ، که طرفدار ایجاد ایالات متحده اروپا است. هر دو ادعا می‌کنند که قدرت‌طلبی کشورهای بزرگ عضو به خرج کمیسیون اروپا، بدون پاسخگویی به دادگاه یا پارلمان اروپا، اتحادیه اروپا را در طول بحران بدهی‌های منطقه یورو از ریل خارج کرده است. ابزارهای جدید مدیریت بحران مانند "سازوکار ثبات اروپا"، یک صندوق نجات منطقه یورو برای کشورهای عضو که قادر به جمع‌آوری پول در بازار نیستند، در خارج از نهادهای اتحادیه اروپا ایجاد شده است و به کشورهای بست‌انکار حق وتویی بدون نظارت قوه مقننه اتحادیه اروپا می‌بخشد. از همین رو، ترویکای کمیسیون، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا، که اجرای برنامه‌های ریاضت اقتصادی در کشورهای رهاشده از مشکلات را به عهده دارند تحت نظارت هیچ‌نوع بازرسی مردم‌سالارانه اروپایی نیست. یونکر و فرهوفشتات معتقد به بازگشت به روش‌های اصلی حکومت در اتحادیه هستند که به کمیسیون و مجلس اروپا، در مقابل دولت‌های ملی، پارلمان ملی و دادگاه‌های ملی، قدرت بیشتری می‌بخشد.